

# ۱۸ خرداد روز "نه" به جمهوری اسلامی است نمایش انتخاباتی حکومت اسلامی را به شکست بکشیم

حزب کمونیست کارگری را با قدرت تمام در مقابل جامعه ایران قرار داد.

مردم ایران باید این مسیر را آگاهانه تا به آخر طی کنند. مضحکه "انتخابات" حکومت اسلامی باید با عدم شرکت قاطع و همه جانبه مردم روبرو شود. عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات، اعلام رای "نه" به جمهوری اسلامی است. باید جنبش قانع کردن و تشویق دیگران به عدم شرکت در انتخابات را براه انداخت. در عین حال ۱۸ خرداد روز تظاهرات علیه رژیم و نمایش حکومتی آن است. هر محل رای گیری، محل اجتماع و اعتراض و نامشروع اعلام کردن کل رژیم اسلامی است. جمهوری اسلامی باید برود. ۱۸ خرداد را به روز اعتراض عمومی علیه حکومت اوباش اسلامی تبدیل کنیم و نمایش انتخاباتی حکومت اسلامی را با شکست روبرو کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۶ مه ۲۰۰۱

حکومت اسلامی در متن بحران عمیق سیاسی و اقتصادی و در مقابل نفرت مردم از آن به بن بست رسیده است. حکومت اسلامی با شمایل وحشت زده از مردمی که در کمینش نشسته اند و با صفی در هم ریخته و بی افق، در مقابل "انتخابات" ریاست جمهوری قرار گرفته است. این انتخابات نیست. مضحکه ای است که تنها در قاموس رژیم ها، همیشه نوکران و مجیزگویان آنها، اپوزیسیون طرفدار رژیم، و رسانه های نوکر در اروپا و آمریکا میتواند "انتخابات" نام بگیرد. این نمایش بی حقوقی و اسارت سیاسی کارگران و مردم ایران است.

جمهوری اسلامی با خاتمی یا بدون خاتمی جمهوری اسلامی است. این را تجربه چهارسال گذشته نشان داد. اکنون جامعه ایران برای نفی تمام و کمال جمهوری اسلامی آماده تر و بدون توهم تر است. دیگر نه خاتمی و نه هیچ مرتجع دیگری قادر نیست بالانسی جدید در دعوی مردم و رژیم اسلامی ایجاد کند و برای حکومت وقت بخرد. از نقطه نظر جامعه ایران عمر جمهوری اسلامی تمام شده است. اسلام و حکومت اسلامی دارد ور می افتد. چهار سال گذشته حقانیت جنبش آزادی و برابری و نگرش و سیاست

## جمهوری اسلامی، حقوق بشر و ... میزگرد رادیو انترناسیونال

گفتگو علی جوادی با

آذر ماجدی و کوروش مدرسی

صفحه ۲

## انتخابات اسلامی در خارج کشور با نفرت روبرو خواهد شد

صفحه ۳

تجمع اعتراضی معلمان در تهران

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حال و هوای تازه در جنبش کارگری

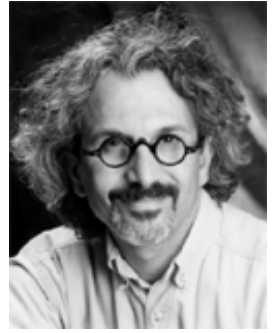


mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

یکشنبه ۱۸ اردیبهشت کارگران بافناز اصفهان دست به اعتصاب زدند و پیکتی در برابر کارخانه بر پا کردند. از میان مطالبات متعددی که کارگران داشتند یکی هم این بود که کلا به وضع نامطمئن کارگران نساجی در اصفهان اعتراض داشتند. اینکه کارگران هم سرنوشت اند برای هر کارگری امری بدیهی است. اما اینکه کارگران یک کارخانه در اعتراض خود نه فقط مطالبات مستقیم خود که یک رشته از هم طبقه ای های خود، کارگران نساجی، را طرح کنند نشان از درجه بالاتری از آگاهی طبقاتی و آمادگی و روحیه مبارزاتی برای ظاهر شدن به مثابه یک طبقه، و نه کارگران کارخانه های مجرد و مجزا، دارد. تظاهرات و راهپیمایی

صفحه ۳



# جمهوری اسلامی، حقوق بشر و ...

## میزگرد رادیو انترناسیونال

### گفتگو علی جوادی با آذر ماجدی و کورش مدرسی

این هستیم، که با طرح بحث نسبیّت فرهنگی مسأله جهانشمولی حقوق مردم به زیر سوال رفته است و حقوق مردم با ارجاع به مقولاتی چون جوامع مختلف، تاریخچه های مختلف، فرهنگ های مختلف و یا مذاهب مختلف، متفاوت تعریف میشود. این در واقع یک عقب گرد است.

نظریه نسبیّت فرهنگی در این جهت استفاده میشود تا در جوامع غربی و افکار عمومی غرب و یا برای مردمی که در جوامعی مثل ایران زندگی میکنند، بی حقوقی و استثمار و اختناقی که به مردم این جوامع تحمیل میشود را توجیه بکنند. با اتکاء باین بحث که فی المثل اینها فرهنگشان اسلامی است و آنچه بر سرشان میاید در چهارچوب اسلام است و ایرادی ندارد. و یا مثلاً زنان در "جوامع اسلامی" نباید آزادی بخواهند چون باید به فرهنگشان احترام بگذارند. اینها از نظر من اراجیفی هستند که باید در مقابلش شدیداً ایستاد. اینها مانده هستند. حقوق انسانها و آزادی و برابری مقولاتی جهانشمول اند و مبارزه مردم در جهان برای رهایی از بی حقوقی و برای آزادی و برابری خود گواه این مسأله است.

علی جوادی: زمینه های شکل گیری بحث نسبیّت فرهنگی چیست، و چرا بعد از اینکه خود جنبش بورژوازی بیانیه حقوق بشر را بیرون داده امروزه مسأله نسبیّت فرهنگی و غیر جهانشمول بودن حقوق انسانها مطرح میشود، چه عوامل اقتصادی و اجتماعی موجب آن هستند؟

آذر ماجدی: یک بخش آن برمیگردد به فروپاشی بلوک شرق و سرمایه داری دولتی که تحت نام سوسیالیسم در جهان راجع به آن صحبت میکردند. صفحه ۴

میکنند که اساساً حقوق بشر نمیتواند جهانشمول باشد، نمیتواند همه گیر باشد و انسانها یکسان نیستند، تاریخچه و زندگی متفاوتی داشته اند و در جوامع متفاوت با فرهنگ متفاوتی زندگی میکنند، و از اینها استنتاجات معینی درباره حقوق بشر میکنند. پاسخ و نقد شما به این مسأله چگونه است؟



آذر ماجدی: بنظر من اینها برای این است که بتوانند کسانی را که در جهان برای آزادی و برابری مبارزه میکنند، ساکت بکنند و یک کلاه شرعی سر قضیه بگذارند. این بحث که در چهارچوب نظریه نسبیّت فرهنگی هم راجع به آن صحبت میشود، عمدتاً در یکی دو دهه اخیر تقویت شده، چون وقتی حدود نیم قرن پیش اعلامیه حقوق بشر مطرح شد، بحث نسبیّت فرهنگی مطرح نبود.

اعلامیه حقوق بشر در متن رقابتهای جنگ سردی و در مقابل بلوک شرق مطرح شد. قانون اساسی شوروی حقوق بسیار پیشرفته تری را برای انسان برسمیت میشناخت و مدل انسانی تر و پیشروتری را مطرح میکرد. اما ما اکنون شاهد

هستند که در آن بسر میبرند. محترم باین معنی که حقوق قانونی آنها با هم برابر است. منتها شرایط تحقق این برابری حقوقی، یعنی برابری در برخورداری از امکانات اقتصادی جامعه، را نادیده میگیرند. روشن است که منشور جهانی حقوق بشر با برسمیت شناختن حقوق و آزادی های فردی نسبت به جمهوری اسلامی پدیده پیشرفته تر و مثبت تری است و متکی به بینشی پیشرفته تر از انسان و محیط آن است، اما، همانطور که اشاره کردم، وقتی که دقیق به آن نگاه میکنید می بینید که پایه اش فقط محدود به حقوق قانونی افراد است. ملزومات اقتصادی تحقق این برابری حقوقی را بحث نمیکند. آزادی عقیده یا آزادی تشکل در این منشور برسمیت شناخته شده منتها این برابری بر اساس نابرابری اقتصادی قابل تحقق نیست. کارگر و کارفرما در آن قانون موجودیتشان برسمیت شناخته شده و کارگر میتواند استثمار شود و بیکار شود. دسترسی و امکان نفوذ آدم پولدار و بی پول به دستگاههای ارتباط جمعی و یا در سیاست اصلاً قابل مقایسه نیست. اینجا دیگر برابری برای توده وسیعی از انسانهای جامعه سرابی بیش نیست. در هرحال کسی که با یک بینش انسانی، یک بینش کمونیستی و کارگری، به این پدیده نگاه کند می بیند که پایه ای ترین حقوق بخش وسیعی از انسانها زیر پا گذاشته میشود. میخوام بگویم عرصه اقتصادی از این منشور حقوق بشر منفک شده، در نتیجه هیچ ضمانتی برای تحقق حتی آن حقوقی هم که اعلام شده وجود ندارد.

علی جوادی: آذر ماجدی نظریه ای هست که مطرح

انسان قلمداد میشود. از نظر شما آیا منشور حقوق بشر آن مجموعه ای است که بتواند تضمین کننده حقوق انسان باشد؟



کورش مدرسی: اجازه بدهید ابتدا یک نکته را توضیح بدهم. حقوق بشر یک پدیده الهی نیست که از بدو تاریخ تا آخر تاریخ معلوم باشد. اینکه حقوق بشر چیست، برمیگردد به سیستم اجتماعی و ایدئولوژیها و فلسفه هائی که جنبش های مختلف در دوره های مختلف تاریخ از آن بدست داده اند. امروز، در ابتدای قرن بیست و یکم، ما جنبش هائی را می بینیم که بلحاظ فکری متعلق به این قرن هستند و تفسیری معین از حقوق بشر دارند و جنبش هائی را می بینیم که متعلق به چندین قرن قبل هستند و تعریف دیگری از حقوق بشر بدست میدهند. مانند جنبش های اسلامی. در نتیجه وقتی راجع به حقوق بشر و یک بیانیه مشخص صحبت میکنیم، باید به این نگاه کنیم که این بیانیه از زاویه چه جنبشی است و آن جنبش و یا دیدگاه بشر را چگونه می بیند و کجا قرار میدهد. منشور جهانی حقوق بشر محصول یک تفکر لیبرالی بورژوازی است. بر مبنای این دیدگاه انسانها بعنوان فرد متمایز محترمند و مسئول وضعیتی

علی جوادی: در باره حقوق انسانها در جمهوری اسلامی، بعضی از نیروهای دوم خرداد اینروزها قانون اساسی را مبنای حقوق انسانها تعریف میکنند. آیا این یک بحث جدی است که باید به آن پردازیم؟

کورش مدرسی: من فکر میکنم که این بحث جدی نیست، جمهوری اسلامی و قانون اساسی آنرا نمیتوان مبنای حقوق انسان قرار بدهد. به این دلیل که در این قانون پایه ای ترین حقوق انسانی از آزادی بیان و عقیده تا آزادی تشکل نفی شده، در نتیجه چنین قانونی را نمیتوان مبنای آزادی و حقوق انسانی قرار داد.

آذر ماجدی: علاوه بر نکاتی که کورش مدرسی به آن اشاره کرد، مسأله اینست که قانون اساسی جمهوری اسلامی، مبنایش اسلام است و اسلامیت را فرض گرفته است. یعنی همه حقوقی که راجع به آن صحبت کرده منوط و مشروط به اسلام است، فرضاً حقوق زنان را در چهارچوب اسلام تعریف کرده است. اسلام و مسلمان بودن را فرض و محور گرفته و همه چیز را در رابطه با آن تعریف کرده. خود این مسأله یعنی نقض کامل آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق انسان. محور قرار دادن اسلام، یعنی به زیر سوال بردن آزادی، برابری و حقوق فردی.

علی جوادی: در عرصه حقوق فرد و حقوق انسان اولین مسأله ای که توسط خیلی از مجامع سیاسی مطرح میشود اینست که منشور پایه ای حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر بعنوان مبنای حقوق پایه ای

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید  
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

← از صفحه ۱

مبارزه این بخش رادیکال و در صحنه از اعتراض و نارضایتی عمومی کارگران میتواند جای خود را به حرکات متحد و سراسری طبقه بدهد.

اول مه امسال با رشد اعتراضات کارگری مصادف بود. برای مثال در همان اصفهان ما شاهد حرکاتی در بین کارگران فولاد شهر، آزمایشگاه ذوب آهن و صنایع اتومبیل سازی وابسته به صنایع دفاعی بودیم. در تهران کارگران علاء الدین، چیت ری، چیت تهران، کارگران بیکار شده شهرداریها و غیره دست به حرکاتی زدند. مهمترین، اول مه امسال با تلاشهای آشکار کارگران برای بهم زدن مراسم دولتی و مخالفت با ایادی رژیم در خانه

نفت، ذوب آهن و صنایع فولاد، اتومبیل سازیها، برق و آب و راه آهن لازم است فعالانه تر به صحنه بیایند. ثانيا کارگران باید بتوانند تشکل های علنی و توده ای خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند. جنبش مجامع عمومی، جنبشی برای تشکل وسیع توده های کارگر ضروری و حیاتی است. باید به این جنبش را وسیعا دامن زد. ثالثا طبقه کارگر باید مطالبات سراسری خود را چه اقتصادی و چه سیاسی در همه جا مطرح کند و بعنوان قدرتمندترین نیروی مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بعنوان پرچمدار آزادی و برابری در سطح جامعه ظاهر شود. برای انجام همه اینها لازم است که رهبران عملی و کارگران کمونیست ارتباطات خودبخودی

و محفلی را به ارتباطاتی سراسری و سازمان یافته ارتقاء دهند. برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، یک دنیای بهتر، یک مبنای روشن برای وحدت سیاسی و سراسری همه رهبران کارگری است. امکانات سازمانی و تبلیغاتی که حزب اکنون در خارج و داخل کشور دارد ابزار ساخته و پرداخته شده طبقه کارگر ایران برای تغییر وضع موجود است. پیوستن به حزب کمونیست کارگری و ساختن عملی یک حزب پرنفوذ و گسترده که نیروی عظیم اعتراضات کارگری را در یک جهت متحد کند، اکنون کلید واقعی پیشروی است.

## انتخابات اسلامی در خارج کشور با نفرت روبرو خواهد شد

مردم آزادیخواه به مضحکه انتخاباتی در خراج کشور تف خواهند کرد

جمهوری اسلامی مضحکه انتخاباتی اش را در خارج کشور نیز میخواید پهن کند. سفارتخانه های جمهوری اسلامی، محافل و انجمن های اسلامی و گروه های حقیر طرفدار خاتمی آتش بیار این معرکه اند.

اما اسم این مضحکه را انتخابات گذاشتن توهین به شعور مردمی است که دوده سرکوب و استبداد را تحمل کرده اند. در شرایطی که مردم از ساده ترین آزادی سیاسی و اجتماعی محرومند، در شرایطی که احزاب مخالف کوچکترین حق فعالیتی ندارند و صدهزار نفر از رهبران و فعالین آنها را تیرباران کرده اند و صدها هزار نفرشان را به زندان و شکنجه محکوم کرده اند، در شرایطی که ۲۰ سال است روزنامه های هر جریان مخالفی را تعطیل کرده اند، در شرایطی که کمونیستها و سوسیالیستها، میلیونها انسان مخالف حکومت

مذهبی، طرفداران برابری زن و مرد و لغو آپارتاید جنسی، مخالفین اعدام و سنگسار و شکنجه، طرفداران حقوق کودک، مخالفین فرهنگ عقب مانده و ارتجاعی و دهها میلیون انسان طالب رفاه و آزادی از کوچکترین حق بیان امیال و آرزوهای خود محروم هستند و حتی دهها نفر از منتقدین نیم بند درون حکومت هم در زندان بسر میبرند و روزنامه هایشان را یکی پس از دیگری تعطیل کرده اند، و در یک کلام در شرایطی که بیش از ۹۵ درصد مردم قانونا و عملا از هر حقی محروم هستند، گذاشتن اسم انتخابات به این مضحکه فقط دهن کجی به این اکثریت عظیم است.

اگر ۴ سال قبل مردم با رای به خاتمی، یکی از چهار کاندید مرتجع که جلو مردم گذاشته بودند، نه بزرگی به کل رژیم اسلامی گفتند، امسال با عدم شرکت در انتخابات نه بزرگتری خواهند گفت. هم سران

حکومت و هم گروه های طرفدار آن عدم استقبال مردم را مبینند و کاری هم از دستشان ساخته نیست. در خارج کشور اوضاعشان از اینهم بدتر است. روز ۱۸ خرداد (۸ جون) در خارج کشور، صحنه به افتضاح کشاندن تمام عیار حکومت کثیف اسلامی خواهد بود.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه و همه مخالفین حکومت اسلامی را به شرکت در میتینگها و پیکت هایی که علیه این مضحکه، در روز ۸ جون در مقابل حوزه های رای گیری برگزار میشود فرامیخواند. با تجمعات هرچه گسترده در این تجمعات به دنیا اعلام کنیم که به چیزی کمتر از سرنوینی حکومت جنایتکار اسلامی رضایت نخواهیم داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ مه ۲۰۰۱

### صفحه اینترنت

کمیته بین المللی بر علیه سنگسار

[www.geocities.com/stoning2001](http://www.geocities.com/stoning2001)

اگر مخالف حکم اعدام در جامعه هستید. اگر مخالف حکم شنیع سنگسار زنان و مردان هستید. و اگر حق حیات را برای همه به رسمیت میشناسید و آن را پایه حقوق انسانی برای همه میدانید. به کمیته بین المللی بر علیه سنگسار بپیوندید و صدای اعتراضات را به گوش جهانیان برسانید! از همه علاقمندان و اعضا کمیته بین المللی علیه سنگسار دعوت میشود که از صفحه اینترنتی ما که به زبانهای فارسی، انگلیسی، آلمانی و سوئدی است دیدن کنند و آدرس آن را برای دوستان و آشنایان خود بفرستند!

### سایت رسمی حزب کمونیست کارگری مجددا فعال شده است

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

برای مطالعه آخرین اطلاعاتی ها، آرشیو ادبیات

حزب، اخبار فعالیت های حزب، فراخوانها

به سایت حزب مراجعه کنید

سایت حزب هر روز تکمیل و تازه میشود

ورودی به سایت های انگلیسی، آلمانی،

ترکی و سوئدی حزب

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!**

مثلا همانطور که گفتیم، قانون اساسی در شوروی که بعد از انقلاب اکتبر نوشته شده بود، حقوق بسیار پیشرفته تری را برای اتباع کشور در نظر گرفته بود. بعد از فروپاشی شوروی و حملات شدید راست و بازار آزاد عملا زمینه برای این عقب گرد آماده شد. پست مدرنیسم هم بعنوان توجیه فلسفی نسبت به فرهنگی مطرح شد.

بعلاوه، رشد و قدرت گیری جنبش هائی اسلامی که بعد از انقلاب ۵۷ در ایران و سر کار آمدن جمهوری اسلامی روح تازه ای در آنها دمیده شد و شیخ تروریسمی که این جنبش ها بالای سر کشورهای اروپائی گرفتند، زمینه عملی دیگری برای توجیه نسبت به فرهنگی از جانب جوامع غربی و ایدئولوگ های آن فراهم آورد. جنبش های اسلامی طی دو دهه اخیر رشد زیادی داشته اند و در چند کشور بقدرت رسیده اند و در کشورهای دیگری به یک اپوزیسیون قوی بدل شده اند. مبارزه علیه این جنبش های ارتجاعی و علیه بی حقوقی مطلق که اینها بر مردم تحمیل کرده اند، یکی از مبارزات جدی دو دهه اخیر بوده است. قدرت گیری جنبش های اسلامی، هراس از تروریسم کور آنها و بویژه نیاز بورژوازی غرب به این جنبش ها برای کنترل اعتراض کارگری و آزادیخواهانه زمینه سیاسی قدرت گرفتن نظریه نسبت به فرهنگی بوده است، که البته الان دیگر یواش یواش دارد رنگ میبازد و

ارتجاعی بودن و عقب ماندگی آن در افکار عمومی بشکل وسیعتری برسمیت شناخته میشود.

علی جوادی: کورش مدرسی نظر شما در مورد این مساله چیست؟

کورش مدرسی: بخش مهمی از این بحث نسبت به فرهنگی متأثر از فلسفه پست مدرنیستی است که بخصوص در بیست سال گذشته شکل گرفت. این همزمان بود با دو پدیده، یکی شروع پروسه فروپاشی بلوک شرق و از رونق افتادن آن سوسیالیسمی که آنها مطرح میکردند. این آلترناتیو بتدریج همه جا جذبه اش را از دست داد و در نتیجه خطری را که برای غرب داشت از بین رفت و فاکتور دوم پا به سن گذاشتن نسل دهه ۶۰-۷۰ و پروسه جذب مجدد آن به جریان اصلی جامعه بورژوازی است. ایدئولوگ ها و آکادمیست های غرب احتیاج به فلسفه ای داشتند که بتوانند با رجوع به آن عقب نشینی های گذشته خودشان در قبال برسمیت شناختن بخشی از حقوق انسانی و جهان شمول اعلام کردن آن را جبران کنند و مواضع قبلی خودشان را تغییر دهند. بعلاوه جنبشی که در اروپا و آمریکا در دهه شصت و هفتاد شکل گرفت و مبتنی بر خواست آزادیها وسیع و درجهای برابری طلبی بود. این جنبش به آخر خط خود رسید. بخش اعظم آن جذب جریانات اصلی بورژوازی جامعه شدند و احتیاج داشتند که خودشان را توجیه کنند. در

طرفداری میکیند حقوق فرد چه جایگاهی پیدا میکند؟

آذر ماجدی: در جوامع غربی که بیشتر ایدئولوژی لیبرالی بر آن حاکم است فردیت به اصل و محور جامعه بدل میشود و به این معنی جامعه را در مقابل فرد بی مسئولیت میکند، فردیت بر مبنای رقابت و بر اساس مالکیت خصوصی بنیان گذاشته میشود. فرد کاملا در مقابل خوشبختی و بدبختی، و در مقابل آینده و سرنوشتش مسئول است. و جامعه هیچگونه مسئولیتی در قبال آن ندارد.

ایده دیگری هم در جوامع سرمایه داری دولتی داشتیم که تحت عنوان اینکه جامعه و کلکتیو اصل است، حقوق فردی زیر پا گذاشته میشود. حقوق فردی و یا حقوقی مثل حق تشکّل و حق اعتصاب. این سلب حقوق با استناد به این ایده که جامعه ارجحیت دارد و مقدم است، توجیه میشود. اما ما با این دو قطبی روبرو نیستیم. جامعه در مقابل آزادی، رفاه، و برابری افراد جامعه مسئول است و حقوق فردی و رفاه و شکوفائی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی افراد باید برسمیت شناخته شود.

کورش مدرسی: من فکر میکنم این تفکیک در حق جامعه و حق فرد غیر واقعی است. حق فرد و حق جامعه موضوعاتی کاملا بهم مرتبط هستند. وقتی از جامعه حرف زده میشود منظور اصلا کل اجتماع و منفعت مردم نیست. بحث بر سر طبقه ایست که

نتیجه پشتشان را به فلسفه ای دادند که برطبق آن حق نسبی است و معلوم نیست چه چیز درست است و چه چیز غلط. از جمله میگویند حق انسانی مقوله ای نسبی است. در نتیجه نه تنها احتیاجی به این نیست که علیه بی حقوقی انسانها در بخش اعظم جهان عکس العملی نشان داد بلکه اصلا این کار نژاد پرستی است. کشف شد که نژاد و نوعی از انسان وجود دارد که بدبختی کشید، سرکوب و تحقیر شدن جزئی از فرهنگش است. میگویند که اینها مسلمانند و حقشان همان است که دارند، و این مردم شایسته همین هستند و همین که دارند بس شان است. این تئوری یکی از انعکاس های بحث پست مدرنیستی است که حقوق انسانی را کاملا نسبی میکند. از نظر من حقوق انسانی یک حقوق جهانشمول است. حقوقی مانند حق شادی و آموزش کودکان، حق اشتغال، حق برخورداری از نعمات زندگی، آزادی بیقید و شرط بیان و غیره حقوقی هستند که نمیشود آنها را از کسی بچرم اینکه فلان گوشه آفریقا یا تحت تسلط جمهوری اسلامی زندگی میکند محروم اعلام کرد.

علی جوادی: در تاریخ شاهد این بودیم که در جوامعی و جنبش های حقوق فرد را مطلق کرده اند و در جنبشهای حقوق جامعه مطلق شده و حقوق فرد تنزل داده شده. این رابطه حقوق فرد و حقوق جامعه را شما چگونه توضیح میدهید و در سیستم سیاسی ای که شما از آن

← از صفحه ۱

روز شنبه ۱۵ اردیبهشت، بیش از ۵۰۰ تن از معلمان در تهران در باشگاه فرهنگیان دست به تجمعی اعتراضی زدند. در این اجتماع اعتراضی معلمان خواهان ۲۵ درصد افزایش حقوق شدند. همچنین خواستهای دیگری نیز مطرح کردند که رئیس آنها عبارتند از:  
- کوتاه کردن دست حراست از مدارس

به تجمعی اعتراضی خواهند زد.  
- حق اجتماع و تجمع  
- انتخاب مدیران توسط معلمان و شورای آنها  
- پرداخت اجاره خانه به معلمان  
- درمان رایگان چه بصورت درمان سرپایی و چه جراحی  
- استفاده رایگان از مراکز فرهنگی و تفریحی  
در پایان معلمان اخطار کردند که اگر تا دو ماه دیگر به خواستههایشان پاسخ داده نشود در ۲۱ مرداد ماه دوباره دست

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهرروز مدرسی -دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England